

چرا حذف کامل کنکور نشد؟!!

مصطفی اسلامی*

در حال حاضر، چالش های بسیاری برای کنکور وجود دارد، از جمله این چالش ها می توان به عدم توازن بین عرضه و تقاضای رشته های دانشگاهی، طبقاتی شدن کنکور و کاهش دسترسی طبقات متوسط و پایین به دانشگاه های رده بالا، تبلیغات نامناسب کنکور در برنامه های صداوسیما، مسئله سهمیه بندی های کنکور، و موسسات آموزشی غیرمجاز و کتب کمک آموزشی غیراستاندارد، اشاره کرد.

به منظور رفع چالش های کنکور، پیشنهاد حذف کنکور و استفاده از معیار سابقه تحصیلی به عنوان جایگزین کنکور مطرح شده است. بررسی و تحلیل این معیار نشان می دهد که سیستم آموزش و پرورش کشور در آینده با چالش های جدیدی مواجه خواهد بود، از جمله:

تلقین شدن صدها هزار معدل ۲۰ در کشور که به دلیل عدم وجود نظارت کافی بر سیستم نمره دهی مدارس و امتحانات، امکان اتکا و اعتماد به سوابق آموزشی به هیچ وجه وجود نخواهد داشت. مثلا اگر قرار باشد دانشگاه های تراز اول ۱۰۰۰ نفر دانشجو را با معدل ۲۰ پذیرش کنند، اولاً معدل بیستی چندین برابر این عدد هزار نفری است و در ثانی امکان هدایت به رشته های کم طرفدار وجود ندارد.

از طرفی با قطعی شدن تاثیر معدل بر نتیجه کنکور، مافیای جدیدی برای ترمیم معدل و کلاس های خصوصی شکل می گیرد، همچنین می توان با پول، نمره خرید و هر دانش آموزی که به مدارس غیرانتفاعی برود، در کنکور هم رتبه بهتری را کسب می کند.

بنابراین برای پذیرش در دانشگاه ها چاره ای جز برگزاری آزمون بنام کنکور که فقط بر اساس نمره ای غیر واقعی داوطلبان را رتبه بندی می کند وجود ندارد و نخواهد داشت از طرفی امکان بومی سازی کامل دانشگاه ها نیز به دلیل پخش بودن استعدادها در نقاط مختلف کشور و از طرفی ضعیف بودن دانشگاه ها در شهرهای کوچک وجود نخواهد داشت.

در سال ۸۶ مجلس تصویب کرد که تاثیر سوابق تحصیلی بر رتبه کنکور تا حذف کامل آن هرساله باید افزایش می یافت اما به دلایلی که در بالا گفته شد امکان حذف کنکور فراهم نشد که هیچ!!! که امسال به سمتی سوق پیدا کرد که ۲ مرحله ای برگزار می شود!

اما حالا که امکان حذف کنکور امکان پذیر نیست بزرگترین

مشکل کنکور عدم وقوع عدالت آموزشی در آن است. همانطور که میدانیم در این maratn داوطلبان متمول رقابتی نابرابر با داوطلبانی انجام میدهند که حتی هزینه تهیه لباس فرم مدرسه را ندارند. از نظر آموزشی نیز داوطلبان مراکز استانها و بویژه استانهای مشخص با دسترسی به مجرب ترین اساتید، این عدالت آموزشی را هرچه بیشتر به نفع خود زیر سوال میبرند.

در سالهای گذشته برای برقراری عدالت سهمیه هایی در نظر گرفته شد. مثل سهمیه شاهد و ایثارگران و مناطق محروم. اما این عمل به هیچ وجه نتوانست این هدف را برآورده نماید زیرا در بسیاری از موارد دانشجویانی که بنیه علمی ضعیفی داشتند وارد دانشگاه هایی شدند که یا قوای رقابت و ادامه تحصیل در آن دانشگاه ها را نداشتند یا اینکه وارد رشته های حساسی شدند که برای آینده جامعه مضر بودند و هستند. رشته هایی مثل پزشکی و مهندسی و

از طرفی برگزاری کنکور به این سبک باعث بی توجهی به دروس فرهنگ محور و نظری خواهد شد.

سبک کنکور به شکلی است که به علایق و توانمندی دانش آموزان توجهی نداشته است. همانطور که در گذشته این باور غلط وجود داشته است که دانش آموزان ضعیف وارد رشته های انسانی و فنی که نیاز مبرم کشور به صنعت و توسعه را برآورده میکند شوند. در حالی که میدانیم نیاز کشور و جامعه به رشته علوم انسانی و دانشجویان علاقمند به این حوزه امری غیر قابل انکار است.

عیب دیگر کنکور این است که مهارت محور و مفهوم محور نیست و فقط و فقط حافظه محور است. به این صورت که دانشجو تنها چند ماه پس از کنکوری که در آن مسایل پیچیده ای را حل کرده است قادر به حل کردن مسایل گذشته نیست! گذشته از اینها سنی که دانش آموزان در آن قرار دارند و مصادف شده با سالهای تلاش و کوشش برای کنکور، سنی است که نوجوان باید مهارتهای زندگی و اجتماعی و فردی را آموزش ببیند. ولی وقتی که برای کنکور بلعیده میشود اجازه رشد و بروز هیچیک از این ملزومات را به نوجوان نمیدهد و مبینیم که حتی پس از فارغ التحصیل شدن از دانشگاه حتی ابتدایی ترین اصول روابط اجتماعی را بلد نیست.

*آموزگار دبیرستان های سیرجان